



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

سوره مبارکه ناس:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قُلْ اَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ (۱) مَلِكِ النَّاسِ (۲) اِلٰهِ النَّاسِ (۳)

مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ (۴) الَّذِي يُّوسْوِسُ فِي صُدُوْرِ النَّاسِ (۵) مِنْ الْجِنَّةِ وَ النَّاسِ (۶)

جمع بندی سوره مبارکه ناس:

- یک نکته مهم این است که سوره با قل شروع می‌شود. این را باید در نظر داشت.
- ستون سوره و موضوع مهم سوره عوذ و پناه بردن است.
- پناه بردن یک پناهگاه می‌خواهد و یک خطر و شری که باید از آن پناه برد.
- سوره ابتدا راجع به پناهگاه صحبت می‌کند و به اسماء الله پناه برده می‌شود.
- اسماء الله سوره رب و ملک و اله هستند و مضاف الیه آنها ناس است.
- انسان با ذات خدا و مرتبه خدا نمی‌تواند مرتبط شود، چرا که اصلاً برایش هیچ تعریفی نمی‌تواند داشته باشد و قابل شناخت برای او نیست. اما در عالم لاهوت انسان با اسماء خدا (حقایق وجودی که همه چیز از آن ها نازل می‌شود) می‌تواند ارتباط برقرار کند.
- علت اینکه اسامی مختلفی برای خدای احد و واحد وجود دارد، به دلیل نیازهای مختلف انسان است. لذا انسان لازم است ابتدا نیازهای حقیقی خود را بشناسد و متناسب با آنها به اسماء خدا متصل شود و آن اسم را در خود متجلی کرده چرا که اسماء الهی رافع نیاز هستند. مثلاً والله هو غنی الحمید یعنی شما نیاز به بی‌نیازی و ستودگی دارید. یعنی شما نیازی دارید که آن نیاز با اسم غنی حمید خدا برطرف می‌شود.
- آیاتی که اسماء دارند غرضشون ناظر به اسماء آنهاست.
- خدا به اندازه نیازهای حقیقی ما اسم دارد. در دعای جوشن کبیر ما به اسامی خدا استغاثه می‌جوییم، چرا که رافع نیازهای ماست و اگر نیازهای ما رفع نشود و نواقص برطرف نشود، انسان به همان میزان از خدا که نور است فاصله گرفته و به نار نزدیک می‌شود. در واقع نار همان نواقص ماست. انسان از نواقص خود می‌سوزد. بنابراین هزار اسم خدا را صدا می‌زنیم و از خدا می‌خواهیم که خلصنا من النار یا رب... .



- ✓ پناه می برم از اینکه انس ها مقصد درستی نداشته باشد.
- ✓ پناه می برم از اینکه انس ها مرا به مقصد نرسانم.
- پس وقتی ناس را وارد می کنیم رب الناس بحث تأثیر انس در مقصد می شود.
- با این منوال می توان برای آیات ۲ و ۳ نیز گزاره نویسی کرد و اگر الناس را در آنها ضرب کنیم می شود:
- تأثیر انس در مسیر، در بایدها و نبایدها ، در برنامه ها/ تأثیر انس در رغبت
 - ✓ پناه می برم از اینکه انس هایم رغبت درستی در من ایجاد نکند.
 - ✓ پناه می برم از اینکه با افرادی یا چیزهایی انس بگیریم که رغبت به گناه پیدا کنم.
 - ✓ پناه می برم از اینکه به گونه ای با افراد انس بگیرم که در شناخت حکم دچار اشتباه شوم.
 - ✓ پناه می برم از اینکه ندانم در چه موقعیتی چه باید کرد.
- پس: پناه می برم به اسماء الله که نوع مواجهات منجر به انس، مرا برای رسیدن به مقصد درست و مسیر درست و رغبت درست برای رسیدن از آن مسیر به آن مقصد، یاری نکنند.
- بعد شری که باید از آن پناه برد را در سوره معرفی می کند. قبلاً گفتیم که شر یک ضرری است که در مقایسه بین دو یا چند چیز با اولویت غیر از حکم خدا، به جای نفع حقیقی ترجیح داده می شود.
- حالا شر در این سوره شر وسواس خناس است. وسوس یعنی شک بعد از اطمینان، یعنی شما می دانید چه کاری باید انجام دهید اما دم انجام کار شک می کنی که آیا انجام بدهی یا نه. محل عملکرد آن صدر انسان است.
- مثلاً می دانم عصبانیت کار بدی است و بروز آن کاری بدتر، اما در یک موقعیتی عصبانی شدم و تا عصبانیتم را بروز ندهم آرام نمی گیرم، این کار وسوسه است.
- خود سوره وسواس را تفصیل داده است و توضیح می دهد:
 - وسواس: شک بعد از اطمینان.
 - خناس: ایجاد کننده انقباض و تاخیر.
 - یوسوس: فعل مضارع است یعنی استمرار دارد.
 - فی صدور: در صدر واقع می شود / در فعل واقع می شود.
 - صدور الناس: در ارتباط با انس است / با انس و نوع انس گیری کار دارد.
 - من الجنه: مخفی است / از جنس عدم انس است.
 - من ... الناس: آشکار است / از جنس انس است.
- در ابتدا گفتیم انسان باید پناه ببرد به رب و ملک و اله از انس هایی که او را در مقصد و حکم و رغبت در مسیر زندگی درست راهنمایی نکنند.
- اگر شر وسواس خناس را در این گزاره لحاظ کنیم اینطور می شود که: از اینکه به واسطه شک بعد از اطمینان یا این ویژگی های ذکر شده ضرری را به جای نفع انتخاب کنم پناه می برم.



رهم

قل

اعوذ

ب

اب

الله

من

شر الوسواس الخناس

الذي

يوسوس في صدور الناس

من الجنة والناس

↑

۱. وسواس : شك بعد از اطمینان

۲. ضانس : ایجادکننده انقباض و تأخیر

۳. یوسوس (فعل مضارع) : استمرار دارد

۴. فی صدور : در صدر واقع می‌شود / در عقل واقع می‌شود

۵. وسوسه در الناس : در ارتباط با انسان است / با انسان سروکار دارد

۶. من الجنة : مخفی است / از جنس عدم است

۷. من الناس : آشکار است / از جنس انسان است

- اینکه بعد از اطمینان به چیزی موقع انجامش انقباضی در من ایجاد شود که به انجامش شک بکنم، این مربوط می‌شود به انس من. به نوع انس من که سبب می‌شود مقصدها، حکم‌ها و رغبت‌هایم دچار اشکال شود.
- به عبارت دیگر اگر نتوانم نوع انس‌هایم را به گونه‌ای مدیریت کنم که مقصد، مسیر و رغبتم وضعیت مناسبی داشته باشد؛ در شرایطی قرار می‌گیرم که دچار قبض و تأخیر در چیزهایی که می‌دانم می‌شوم، در آن شک کرده و انجام نمی‌دهم. یعنی ضرری را به جای نفع ترجیح می‌دهم. و دچار شر می‌شوم.
- انس فقط مختص انسان‌هاست، نه جنیان نه حیوانات و
- انسان باید در یک جمع خوبی باشد که مقصد مسیر رغبتش را تنظیم کند و اگر تنها و منزوی باشد ممکن است دچار شر مخفی و عدم انس شود.
- بین رب/ملک/اله " و " یا " نیست. یعنی باید به ربی که ملک و اله است پناه برد، نه به رب یا ملک یا اله!
- ابتدا بنظر می‌آید واژه " اعوذ " در سوره موضوع مهمتری است، در صورتیکه اگر اینطور بود باید میگفت: "عذ برب الناس". اما در سوره گفته پناه بردنت را به رب الناس ابراز کن، ابراز کردن (قل) پرتنگ تر می‌شود. سوره امر به نشان دادن پناه بردن می‌کند. پیامبر با توجه به مضارع بودن فعل اعوذ، دائماً در حال پناه بردن است. اما چیزی که مهم است این است که خدا به پیامبر امر می‌کند این پناه بردنت را ابراز کن.

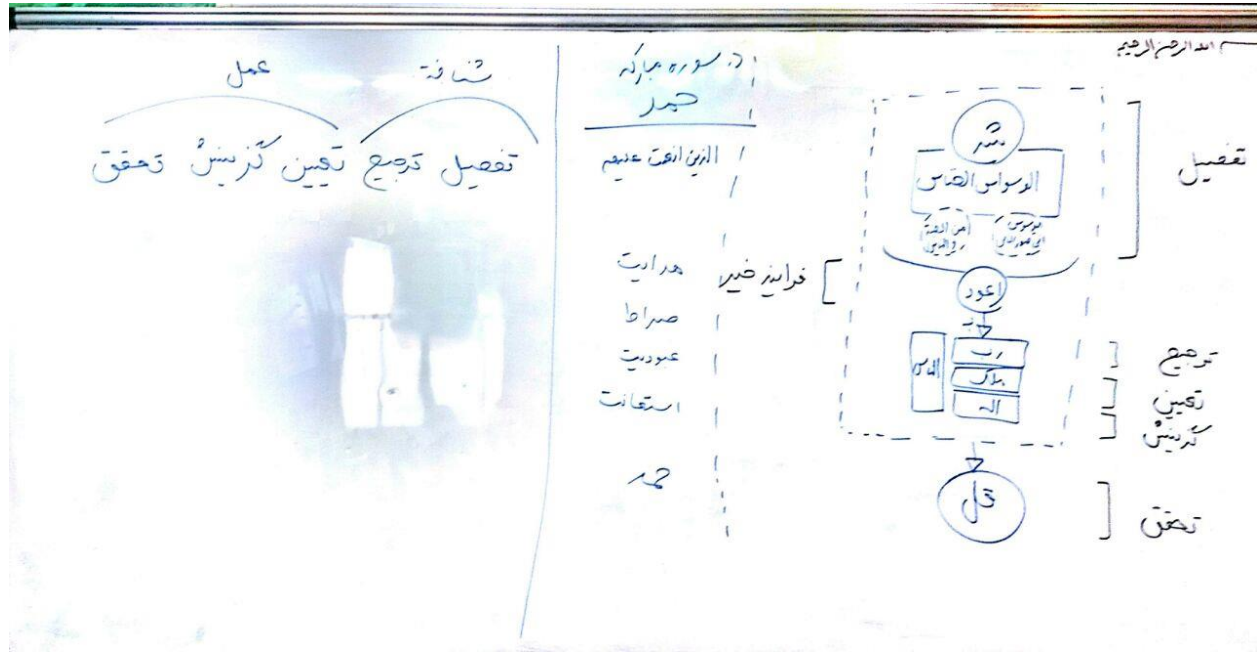
فرآیند خیر در سوره ناس:

فرآیند خیر در سوره، واژه اعوذ است یعنی واژه پناه بردن، واژه فرآیندی است.

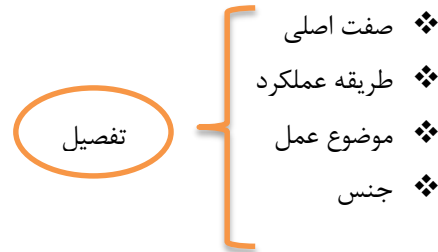
- تفصیل: شر (وسواس خناس / یوسوس... / صدور / جن / انس)
- ترجیح: رب (ترجیح و اولویت بندی در اینکه مقصد خدایی است یا نه)
- تعیین: ملک



- گزینش: اله (بحث رغبت مطرح است)
- تحقق: قل (ابراز پناه بردن)



- یک نوع تفصیل در سوره، تفصیل در اسماء است (رب/ملک/اله)
- مثلا من در زندگی می بینیم در یک کاری، مقصد را نمی دانم یا نه مقصد را می شناسم اما برنامه رسیدن به آن را نمی دانم یا نه، این دو را دقیقا می دانم اما میل و رغبتم دچار مشکل است. همین تفصیل دادن در زندگی خیلی کارها را برای ما شدنی تر می کند.
- در واقع می شود تمام سوره را با تمام مولفه ها بررسی کرد. مثلا رب/ملک/اله هم تفصیل هم همگی ترجیح/تعیین/گزینش و تحقق می توانند باشند. همچنین می توان به صورت نسبی و نسبت به هم بررسی کرد.
- برای دچار نشدن به شر، شناخت تفصیلی آن لازم است:



- معیار، الهی بودن مقصد و کمالی بودن آن است.

